

میراث شوم شاه و کیسنجر برای کردها (به بهانه درگذشت آخرین بازمانده کابینه نیکسون)



فریدون نوری



**میراث شوم شاه و کیسنجر برای کردها
(به بهانه درگذشت آخرین بازمانده کابینه نیکسون)**

و آوازه و شهرتش در مقام یکی از طراحان سیاست خارجی آمریکا در جهان سیاست فراگیر شد و نامش با بسیاری از حوادث و رویدادهای مهم جهان در دهه هفتاد قرن گذشته گره خورد.

پایان دادن به مداخله نظامی آمریکا در جنگ ویتنام، تلاش موفقیت آمیز برای ایجاد رابطه با چین مائوئیست با بهره گرفتن از اختلاف در اردوگاه کمونیست ها (چین و شوروی) و دیدار نیکسون از چین و ملاقات با او «چوئن لای» و «مائو زدونگ»، امضای توافق کاهش موشک های ضد بالستیک موسوم به سالت با شوروی عصر برژنف، بمباران کامبوج، مداخله و حمایت آمریکا از کودتای نظامیان در شیلی در ۱۹۷۳، حمایت از نظامیان آرژانتینی در کشتار و سرکوب مردم، حمایت از پاکستانی ها در منازعات خونبار استقلال از بنگلادش و حمایت آشکار از اسرائیل در جنگ یوم کیبور (روز تعطیل) با اعراب و تلاش برای پایان دادن به درگیری آنها در ۱۹۷۳، دوستی و اتحاد با شاه ایران و سپردن نقش ژاندارم منطقه به او و فروش بی محابای میلیاردها دلار اسلحه به وی و در نهایت ترغیب و حمایت پنهانی از قیام کردهای عراق به رهبری ملا مصطفی بارزانی و پشت کردن به آنان در سخت ترین لحظات بخشی از سیاست خارجی آمریکا در دوران جنگ سرد است که این دیپلمات جاه طلب و تأثیرگذار آمریکایی - آلمانی تبار در طراحی و تحقق آنها نقش کلیدی و اساسی داشته و معمار و مسبب واقعی این تحولات در دوران حضور رسمی اش در ساختار قدرت از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۷ در دو سمت مهم مشاور امنیت ملی و وزیر امور خارجه و

روز ۳۰ نوامبر خبر مرگ یکی از استراتژیست ها و معماران سیاست خارجی ایالات متحده و از عناصر کلیدی تأثیرگذار بر تحولات و مناسبات جهان دوران جنگ سرد در فضای رسانه ای جهان منتشر گردید. هنری کیسنجر یهودی آلمانی تبار که مانند بسیاری دیگر از یهودیان اروپایی زندگی و آینده اش تحت تأثیر ظهور نازی ها به رهبری هیتلر قرار گرفت، در نوجوانی به همراه خانواده اش به آمریکا مهاجرت و در نیویورک و محله ای اکثر ساکنان آن مهاجران یهودی بودند اقامت گزید.

با پیروزی ریچارد نیکسون ۳۷ رئیس جمهور آمریکا از حزب جمهوری خواه در انتخابات سال ۱۹۶۸ کیسنجر جاه طلب به مقام مشاور امنیت ملی منصوب و ستاره اقبال او درخشید

میراث شوم شاه و کیسنجر برای کردها (به بهانه درگذشت آخرین بازمانده کابینه نیکسون)

رئیس دستگاه دیپلماسی ایالات متحده در دوران ریاست جمهوری نیکسون و فورد می‌باشد. در دهه‌های بعد و تا دم مرگ او از تلاش و تکافو در راه تأمین منافع ایالات متحده و هم‌پیمانش اسرائیل دست نکشید و علاوه بر نگارش چندین کتاب و صدها مقاله تخصصی، با تأسیس یک کمپانی ارائه مشاوره به همه رؤسا جمهور آمریکا صرف‌نظر از پایگاه حزبی آنان مشاوره می‌داد و از چنان تأثیرگذاری برخوردار بود که «جرج دبلیو بوش» از مرگ او به‌عنوان «خاموشی یکی از مهم‌ترین و رساترین صدهای آمریکا در سیاست خارجی یادکرد.» این حجم از تأثیرگذاری توأم با جاه‌طلبی شخصیت او را در مظار داوری‌های مختلف و گاه متضاد قرار داده است. سیاستمداران و دولتمردان غربی او را دیپلماتی برجسته و کم‌نظیر و وکلا و فعالان حقوق بشری او را سیاستمداری عاری از شفقت و متهم به جنایت جنگی می‌دانند.

برای کردها اما او نماد واقع‌گرایی جاه‌طلبانه و غیراخلاقی در سیاست خارجی آمریکا در منطقه خاورمیانه است که نامش با فروپاشی خونین و فاجعه‌بار قیام کردها علیه رژیم بعث عراق در سال ۱۹۷۵ گره‌خورده است. چنان‌که لاری اورست چپ‌گرا در کتاب «نفت، قدرت، امپراتوری - عراق برنامه جهانی آمریکا» در فصل کردستان این کتاب به‌صورت مبسوط و دقیق ماجرای خیانت شاه و آمریکا به کردها را شرح می‌دهد. او به‌درستی معتقد است هم‌زمان با حضور کیسنجر در مقام طراح سیاست خارجی آمریکا کردها به رهبری بارزانی پس از سال‌ها مبارزه در ۱۱ مارس ۱۹۷۰ دولت بعث را مجبور به امضای یک موافقت‌نامه برای تشکیل یک منطقه خودمختار در کردستان و به‌رسمیت‌شناختن بخشی از حقوق ملی فرهنگی خود نموده بودند.

بر اساس توافقات صورت‌گرفته حقوق کردها در سطحی بسیار وسیع‌تر نسبت به دو متحد آمریکا در منطقه یعنی ترکیه و ایران و به شکلی قانونی مورد تأکید قرار گرفت.

تمایل بعثی‌ها به نزدیکی به اتحاد جماهیر شوروی و انعقاد پیمان مودت و اتحاد با این ابرقدرت در ۱۹۷۲ از یک‌طرف و دمیدن در تنور احساسات ناسیونالیسم عربی و ضدیت با اسرائیل، آمریکا و ژاندارم منطقه‌ای‌اش را بیمناک و به اندیشه بازی با کارت کردها برای تضعیف بعثی‌ها واداشت.



مقارن همین ایام و اندکی پس از توافق میان رژیم بعث و نمایندگان کردها، روشن شد که مسائل کلیدی و مهمی مانند کنترل کردها بر نیروهای امنیت محلی، دریافت سهم مناسبی از درآمد نفت و مشارکت در ساختار قدرت ملی، تعیین مساحت دقیق منطقه خودمختار مسکوت مانده و رژیم بعث هم با نادیده‌گرفتن توافق برنامه تعریب مناطق نفت‌خیز را آغاز نمود و حتی سعی کرد ملا مصطفی بارزانی رهبر کردها را ترور کند. چنین سیاستی کردها را بیمناک و موجب ازبین‌رفتن کامل اعتماد آنها به رژیم بعث گردید. بارزانی البته از مدت‌ها قبل با آمریکا و شاه و کشورهای دیگری در

میراث شوم شاه و کیسنجر برای کردها

(به بهانه درگذشت آخرین بازمانده کابینه نیکسون)



تماس بود و جهت دریافت کمک علیه بغداد به آنها مراجعه کرده بود. او حتی در مصاحبه با روزنامه واشنگتن پست قول داد: «اگر آمریکا ما را در مقابل گرگ‌ها حفاظت نماید، ما حاضر به همراهی با سیاست آمریکا در این منطقه هستیم. اگر حمایت به اندازه کافی قوی باشد، ما می‌توانیم میدان‌های نفت کرکوک را کنترل کرده و آن را به شرکتی آمریکایی بدهیم تا در آن کار بکنند.»

ما حاضر به همراهی با سیاست آمریکا در این منطقه هستیم. اگر حمایت به اندازه کافی قوی باشد، ما می‌توانیم میدان‌های نفت کرکوک را کنترل کرده و آن را به شرکتی آمریکایی بدهیم تا در آن کار بکنند.»

درست در این شرایط و در سال ۱۹۷۲ شاه و کیسنجر طرح خود را برای استفاده از کارت کردها در عراق به اجرا گذاشتند و از عدم پابندی بغداد به مفاد توافق با کردها استفاده نموده و کمک‌های مالی و نظامی کنترل شده‌ای را به کردها ارائه و بارزانی را به شروع دوباره قیام علیه بعثی‌ها تشویق نمودند.

کارزار و مداخلات پیدا و پنهان شاه و امریکایی‌ها روابط نیم‌بند و ناپایدار کردها و بعثی‌ها را زهرآگین و تیره‌تر نمود و موجب شد تا آخرین امیدها برای تداوم آرامش نیم‌بند در کردستان و عراق به یأس مبدل شود.

سرانجام در مارس ۱۹۷۴ بارزانی با حمایت شاه ایران و آمریکا درگیری جدیدی علیه حکومت عراق آغاز کرد که در آغاز با پیروزی‌های بزرگی همراه بود.

گزارش مفصل اوتیس پایک نماینده نیویورک در کنگره آمریکا در خصوص چگونگی دخالت آمریکا و سیا و نقش کیسنجر در منازعات کردها و بغداد و نامه محرمانه کیسنجر به ریچارد هلمز سفیر وقت آمریکا در ایران - که در سالیان اخیر از سوی آرشیو کتابخانه نیکسون منتشر شده است - در رابطه با چگونگی و میزان کمک به کردهای عراق، دو سند مهم تاریخی هستند که محتوای آنها مبین سیاست و رویکرد شیطانی کیسنجر و شاه به قیام و مسئله کردها در عراق می‌باشند.

نامه مشاور امنیت ملی آمریکا به هلمز در سال ۱۹۷۴ نشان می‌دهد که کیسنجر و شاه خواهان جنگ همه‌جانبه یا فروپاشی عراق نبودند، بلکه می‌خواستند عراق را به عدم همکاری با روس‌ها مجبور کنند و با این کار به دیگران در منطقه نشان دهند که وابسته به شوروی بودن فایده ندارد. افزون بر این شاه در صدد بود، تا نشان دهد که ایران قوی‌ترین قدرت خلیج فارس و قابل اتکاءترین ژاندارم منطقه برای تحقق سیاست‌های آمریکاست و در نظر داشت تا در معاهده سعدآباد که طبق آن کنترل تمامی راه‌آبی شط‌العرب مابین دو کشور به عراق داده شده بود، تجدیدنظر کند.

کیسنجر نیز در خطاب به ریچارد هلمز ضمن تأکید جدی بر لزوم هماهنگی کامل با شاه و ارائه هر نوع کمک از طریق دولت ایران صراحتاً اعلام می‌دارد: «ایجاد حکومت خودمختار و مستقل کرد در عراق و نوعی تقسیم‌بندی دائمی این کشور، منافع طولانی‌مدت اقتصادی را به

میراث شوم شاه و کیسنجر برای کردها (به بهانه درگذشت آخرین بازمانده کابینه نیکسون)

۵۳/۱۲/۸

بشرف عرض پیشگاه مبارک علوگاهت میرساند

رابط سرچس امریکا در تهران در تاریخ ۵۳/۱۲/۷ طی ملاقاتی اظهار داشت: وزیر امور خارجه امریکا در پاسخ نامه ای که آقای بارزانی بعنوان ایشان ارسال داشته بود، طی آن درخواست کرده بود که خود شایسته هیئت کرد از امریکا بدین نمایندگی تلگرافی بعنوان آقای بارزانی ارسال داشته و در آن هیئت کرد دعوت نموده که از امریکا بدین گروه و جایی ملاقات نماید.

با توجه به ملاحظات حفاظتی جان نثار به رابط سرچس امریکا تذکره دادیم که بهتر است تلگرام آقای کیسنجر بدین مشخصات فرستاده و گیرنده در اختیار آقای بارزانی گذارد شود. این موضوع مورد تأیید رابط مذکور قرار گرفت.

رابط سرچس امریکا همچنین اظهار داشت: به هیئت اعضای کرد قیام تذکر خواهد داد که در این مسافرت نباید بهیچوجه با مقامات مختلف امریکا فی الزمیل نمایندگان کشور باستاناس بگردند و در غیر اینصورت امریکا کمک خود را به اکراد متوقف خواهد کرد.

مراتب از شرف عرض پیشگاه مبارک علوگاهت میگذرد.

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

جایگاه: دفتر مطبوعات
زودی: روز

همراه نخواهد داشت و اینکه نه ایران و نه ایالات متحده قصد ندارند تا تمامی درهای روابط خود با حکومت عراق که مطمئناً منافع زیادی را برای دو کشور به همراه دارد، ببندند.»

سال ۱۹۷۵ سال سرنوشت بو. درحالی که کردها با حمایت ایرانی ها و کمک های دریافتی از امریکا به پیروزی های بزرگی دست یافته بودند و ده ها هزار پیشمرگ کرد در سراسر کردستان با حمایت نظامی و لجستیکی شاه عرصه را بر ارتش عراق تنگ نموده و بعضی ها را با بزرگترین تهدید تاریخ حکمرانی خود مواجه نموده بودند ناگهان شایعات و اخبار جسته و گریخته ای مبنی بر مذاکرات پنهانی میان ایران و عراق منتشر شد. گویا سادات هم به نمایندگان بارزانی احتمال توافق صدام و شاه را گوشزد نموده و تلویحاً به آنها توصیه نموده بود تا با بغداد مصالحه نمایند.

بارزانی اما با وجود بی اعتمادی کامل به شاه، رابطه با امریکا و دریافت کمک از آنان را تضمینی برای تداوم حمایت ها تلقی و به شکل غیر محتاطانه و غیر معقولی فریفته حمایت امریکایی ها و کیسنجر شده بود.

جلسه سران اوپک در الجزایر با حضور شاه و صدام پایان غم انگیزی برای مناسبات بارزانی و کردها از یک طرف و شاه کیسنجر و سیاه از طرف دیگر رقم زد و به کابوسی وحشتناک برای کردها مبدل شد.

شاه و صدام با وساطت بومدین همدیگر را در آغوش کشیدند و شاه کردها را وجه المصلحه توافق خود با دشمن دیرینه اش قرارداد. اندک زمانی پس از آنکه عراق با شروط آمریکا و ایران که در توافقنامه الجزیره در سال ۱۹۷۵ فرمول بندی شده بود، موافقت کرد، شاه و آمریکا کمک ها (از جمله کمک های غذائی) به کردهای عراق را قطع کرده و مرز ایران را بستند و راه عقب نشینی کردها را مسدود نمودند. کردها اصلاً به خیالشان هم نمی رسید که به این سرعت به آسانی کنار گذاشته شوند. ولی دولت عراق می دانست ایران و امریکا در مقابل توافق و همراهی عراق با آنها به حمایت از کردها پایان خواهند داد و دست بغداد را برای سرکوب کامل آنها باز خواهند گذاشت.

کردها و رهبری قیام که با خوش بینی مفرط باور کرده بودند وجود آمریکا «تضمینی در مقابل خیانت شاه» به کردها است، بسیار دیر متوجه این واقعیت تلخ و کاملاً گیج کننده شدند که در طرح شاه شوم و کیسنجر ابزاری بیش نبوده اند. پرده آخر این سناریوی حزن انگیز با محرومیت مطلق کردها از حمایت ایران و انسداد مرزها توسط رژیم شاه به اجرا درآمد. نیروهای کرد سریعاً تارومار شده و با فشار شاه بارزانی در غمناک ترین روزهای حیات خود دستور ترک مقاومت به نیروهای خود را صادر نمود و حدود ۱۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ کرد مجبور به گریز به ایران شدند.

آمریکا خونسردانه به «متحدین» کرد خود خیانت کرد؛ ولی طبق گفته پایک بدطینتی آمریکا نسبت به متحدش هنوز به حد اعلائی خود نرسیده بود! بارزانی به کیسنجر نامه نوشت و عاجزانه با التماس از او طلب کمک کرد. کیسنجر حتی زحمت جواب دادن را به خود نداد. در نامه هایی که بعدها بارزانی در روزگاری که برای درمان بیماری اش در امریکا به سر می برد خطاب به رئیس جمهور بعدی امریکا (کاتر) و

میراث شوم شاه و کیسنجر برای کردها

(به بهانه درگذشت آخرین بازمانده کابینه نیکسون)

نمایندگان کنگره نوشت؛ با تلخی و ناامیدی از رفتار امریکایی‌ها با جنبش کرد شکوه کرد. او همچون پایک معتقد بود که کیسنجر و شاه به وی خیانت کرده‌اند.

مسلم است هدف آمریکا پیروزی کردها یا حق تعیین سرنوشت برای کردها نبود. سازمان سیا وحشت داشت که این استراتژی باعث طولانی‌شدن شورش شود و نتیجتاً روحیه جدائی طلبانه در میان کردها تقویت شود و این به شوروی فرصت دهد تا برای متحدین آمریکا (ترکیه و ایران) مشکلاتی فراهم آورد. چنانچه در ماجرای رفراندوم سال ۲۰۱۷ اقلیم کردستان امریکایی‌ها نه تنها از تعیین سرنوشت کردها و استقلال آنها حمایت نکردند، بلکه مطابق اظهارات بارزانی در مصاحبه اخیر با کانال الجزیره تریلسون وزیر خارجه وقت آمریکا صراحتاً با رفراندوم مخالفت و اعلام نموده. بود در صورت برگزاری رفراندوم مناطق تحت نفوذ اقلیم را به مرزهای ۱۹۹۱ محدود خواهند نمود. اتفاقات بعد از ۱۶ اکتبر آن سال مبین این واقعیت است که اساس سیاست‌های ۱۹۹۱ آمریکا در مورد کردستان هنوز با دیدگاه‌ها و نظرات کیسنجر تفاوت چندانی ندارد. گزارش مفصل پایک در خصوص نحوه مداخله آمریکا در ماجرای کردها مبین سیاست غیراخلاقی و اندیشه ماکیاولیستی کیسنجر به عنوان طراح این طرح شوم و بدفرجام می‌باشد. پایک عقیده دارد که: «هیچ کدام از مللی که به کردها کمک می‌کنند به طور جدی خواهان متحقق شدن خواست کردها و تشکیل دولت خودمختار نیستند. آمریکا و شاه به دنبال تضعیف و خسته کردن (دولت) عراق می‌باشند. بر طبق مدارک و مکالمات سیا، آنها به کردها به عنوان «ورق بازی» علیه عراق و وسیله‌ای مفید برای تضعیف پتانسیل عراق در ماجراجویی‌های بین‌المللی نگاه می‌کردند.»

به این دلیل آمریکا دستور داد که در رابطه با کمک نظامی به کردها «کنترل اکید» صورت بگیرد و هرگز به کردها مهماتی که بیش از سه روز دوام آورند داده نشود تا هر موقع که خواستند بتوانند مانع عمل آنها شوند. «اوتیس پایک» به این نتیجه می‌رسد که: «رئیس‌جمهور و کیسنجر و شاه امیدوار بودند کردها غلبه پیدا نکنند. آنها ترجیح می‌دادند شورشیان فقط تا آنجا پیش بروند که برای کشیدن شیره عراق کافی باشد. این سیاست به اطلاع کردها که توسط ما به جنگ ترغیب شده بودند، نرسید.»



میراث شوم شاه و کیسنجر برای کردها

(به بهانه درگذشت آخرین بازمانده کابینه نیکسون)

کمیسیون پایک نتیجه می‌گیرد که اگر آمریکا و شاه شورش را ترغیب نمی‌کردند، کردها احتمال داشت به سازش با حکومت مرکزی برسند که حداقل درجه‌ای از خودمختاری را به دست آورده و از خون‌ریزی بیشتر اجتناب نمایند. در عوض موکلین ما (کردها) جنگیدند، خسارت مالی و جانی بسیار زیاد متحمل شده و بالغ بر ۲۰۰ هزار نفر از آنها آواره و پناهنده شدند. علاوه بر این بغداد نیز به شکل گسترده‌ای شروع به انتقام از کردها نمود و بالغ بر ۲۵۰ هزار نفر از آنان را به مناطق مرکزی و جنوبی تبعید نمود و در مناطقی هم اعراب را جایگزین ساکنان تبعید شده کرد نمود. کیسنجر که هرگز آماده عذرخواهی از رفتار و سیاست‌هایش نبود با تبختر ضمن رد محتوای و نتیجه تحقیقات کمیسیون پایک گفت: «عملیات مخفی را نباید با کار خیریه قاطی کرد.»

کمیسیون هم در پاسخ به ادعای وی اعلام نمود: «حتی در چارچوب عملیات مخفی، تعهدات ما تعهداتی با نیت بد بود.» احترام مقامات و چهره‌های سیاسی آمریکا به کیسنجر و استفاده از مشاوره و توصیه‌های وی در مدت نیم‌قرن در حوزه سیاست خارجی و نیز واکنش‌های گسترده آنان به درگذشت این آخرین بازمانده کابینه نیکسون مبین این واقعیت است که آمریکایی‌ها با وجود اختلاف‌نظرها قدردان خدمات نخبگان و شخصیت‌های تأثیرگذار در تأمین منافع ملی ایالات متحده هستند، اما سیر تحولات جنبش کردها و حوادث اقلیم کردستان و رفتار و سلوک احزاب و رهبران سیاسی و تجربه سه دهه حکمرانی کردها در این اقلیم و بیانگر آنست که کردها در فهم درس‌های تاریخ خود رفتار ناامیدکننده‌ای دارند. نیم‌قرن پس از موافقت‌نامه مارس ۱۹۷۰ و با وجود مبارزاتی خونین و هزینه‌ها و تلفات فراوان میزان دستاوردها و گستره حاکمیت کردها پس از حوادث ۱۶ اکتبر و ماجراهای پسا رفراندوم ۲۰۱۷ از حقوق و امتیازات مندرج در آن توافق‌نامه فراتر نیست و با وجود غیاب شاه و کیسنجر از صحنه سیاسی هنوز تبعیت از میراث شوم آنان در تعامل با کردها و اقلیم از سوی بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در رأس همه آنها آمریکا ادامه دارد.



میراث شوم شاه و کیسنجر برای کردها (به بهانه درگذشت آخرین بازمانده کابینه نیکسون)

گذار از میراث شوم و زیان بار و دام تاریخی شاه و کیسنجر برای کردها مستلزم بازخوانی جدی تاریخ تحولات، پایان دادن به منازعات فاجعه بار درونی احزاب، تغییر بنیادین در استراتژی احزاب و رویکرد بنیادین رهبری کردها به مناسبات و معادلات بین المللی، اولویت بخشی به منافع ملی در مقابل مصالح حزبی، درک درست از دگرگونی های برق آسای دنیای سیاست و شناخت به موقع و درست منافع بازیگران مسلط و حضور و مشارکت در هم پیمانی های اثرگذار و تحول آفرین و در یک کلام درس آموختن از تاریخ است. مجموعه این عوامل در کنار هم می تواند موقعیت کردها در عراق و منطقه تا سطح بازیگری تأثیرگذار و سودمند از دگرگونی ها ارتقا بخشد.



Henry Kissinger
1923 - 2023